

## بررسی کاربردهای فقهی مصلحت در حکمرانی شایسته بر اساس سیاست متعالیه با تاکید بر دیدگاه امام خمینی و سیره عملی شهید سلیمانی<sup>1</sup>

### چکیده

مکتب فقهی که امام خمینی، راهبری آن را بر عهده دارد در عین حال که از متد و آموزه‌های فقه سنتی بهره می برد و به تعبیر خود ایشان از مؤلفه‌های فقه جواهری تبعیت می کند، پویایی را به خود ضمیمه کرده و با زمانشناسی دقیق و فهم صحیح پرسشهای زمانه به تطور و تکامل رسیده است. این معنا در روش استنباطی امام خمینی قبل از پیروزی انقلاب نیز به چشم می خورد، توجه به عناصر زمان و مکان، مصلحت، فقه حکومتی و عنایت به واقعیتهای اجتماعی در فرایند استنباط، در این راستا قابل ارزیابی هستند.

از سوی دیگر شهید حاج قاسم سلیمانی بعنوان یک شخصیت انقلابی و ملی است که باید به عنوان یک چهره متدین به اندیشه و عمل امام خمینی مورد تحلیل قرار گیرد.

با تتبع و تفحص در آثار مربوط به موضوع «بررسی کاربردهای مصلحت با لحاظ به میزان و ملاک آن در سیاست متعالیه بر مسائل مستحدثه با تاکید بر دیدگاه امام خمینی ره» و سیره عملی شهید سلیمانی تاکنون پژوهشی در این راستا با این ابعاد انجام نگرفته، بدین منظور در این پژوهش دو فعالیت عمده انجام گرفت:

الف: ابتدا اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی و سیره عملی شهید سلیمانی تبیین و توصیف گرفت.

ب: سپس به کاربردهای مصلحت در مسائل مستحدثه بر اساس دیدگاه امام خمینی سیره عملی شهید سلیمانی پرداخته شد.

**واژگان کلیدی:** کاربردهای فقهی، مصلحت، سیاست متعالیه و امام خمینی(ره)

### بیان مساله:

مکتب فقهی که امام خمینی، راهبری آن را بر عهده دارد در عین حال که از متد و آموزه‌های فقه سنتی بهره می برد و به تعبیر خود امام خمینی از مؤلفه‌های فقه جواهری تبعیت می کند، پویایی را به خود ضمیمه کرده و با زمانشناسی دقیق و فهم صحیح پرسشهای زمانه به تطور و تکامل رسیده است. این معنا در روش استنباطی امام خمینی قبل از پیروزی انقلاب نیز به چشم می خورد، توجه به عناصر زمان و مکان، مصلحت، فقه حکومتی و عنایت به واقعیتهای اجتماعی در فرایند استنباط، در این راستا قابل ارزیابی هستند.

---

<sup>1</sup>. این طرح با استفاده از اعتبار ویژه پژوهشی دانشگاه مازندران اجراء گردید.

بی شک وقوع انقلاب اسلامی بر اساس ایدئولوژی امام خمینی محقق شده است. امام ره از معدود فقهایی در تاریخ اسلام بوده که در عمل توانسته بر اساس اصل مصلحت خیل عظیمی از مشکلات را در چه روند پیروزی انقلاب اسلامی و چه در روند حوادث مستحدثه بعد از انقلاب اسلامی مدیریت کند و به سرانجام برساند. اما اینکه ملاک و میزان بهره گرفتن از مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی چیست و اینکه کاربردهای اصل مصلحت در حوادث مستحدثه چه بوده است، مسئله ایی است که محقق قصد دارد در این پژوهش بدان دست یابد. هدف و ضرورت این پژوهش در این است که بی شک دستیابی به ملاک و میزان و تبیین کاربردهای اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی بر اساس سیاست متعالیه می تواند راه گشای انبوهی از مسائل پیش روی انقلاب اسلامی در حوزه های داخلی و خارج می باشد. با تتبع و تفحص در آثار مربوط به موضوع «بررسی کاربردهای اصل فقهی مصلحت با لحاظ به میزان و ملاک آن در سیاست متعالیه بر مسائل مستحدثه با تاکید بر دیدگاه امام خمینی ره» تاکنون پژوهشی در این راستا با این ابعاد انجام نگرفته، بدین منظور در این پژوهش دو فعالیت عمده انجام می گیرد:

الف: ابتدا اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی ره تبیین و توصیف می گردد.

ب: سپس به کاربردهای اصل مصلحت در مسائل مستحدثه بر اساس دیدگاه امام خمینی پرداخته می شود. بنابراین محقق در این پژوهش درصدد شناسائی تبیین ارتباط راهبرد صدور انقلاب اسلامی منطبق با اهداف انقلاب اسلامی با راهبرد دیپلماسی عمومی در جهان اسلام در بین اساتید دانشگاه مازندران به عنوان اشخاصی صاحب نظر در این حوزه می باشد.

### مقدمه و پیشینه بحث

به نظر می رسد میزان و ملاک اجرای اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی بر اساس سیاست متعالیه، قاعده فقهی اصل نظام است. هدف و ضرورت این پژوهش در این است که بی شک دستیابی به ملاک و میزان و تبیین کاربردهای مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی بر اساس سیاست متعالیه می تواند راه گشای انبوهی از مسائل پیش روی انقلاب اسلامی در حوزه های داخلی و خارج می باشد. با توجه به هدف کلی تحقیق در نظر است ابعاد ذیل بررسی شود تا الگوی علمی برای کسانی که از این تحقیق استفاده میکنند، قرار گیرد: شناسایی و تبیین ملاک و میزان و تبیین کاربردهای اصل مصلحت منطبق با اندیشه سیاسی امام خمینی بر انقلاب اسلامی، دلایل ضرورت و توجیه انجام طرح می باشد. با توجه به یافته های این تحقیق ما بر این باوریم که توانمند سازی و سرمایه گذاری روی نخبگان کشور هائی اسلامی نتایج یافته های این پژوهش میتواند بر اساس اهداف برنامه سازان کشور توسط کارشناسان برنامه ریزی به کار گرفته شود، از این رو توصیه میشود نهاد هایی مانند جامعه المصطفی العالمیه، سازمان فرهنگ و ارتباطات و سازمان تبلیغات اسلامی، مجمع تقریب مذاهب و ... با تشکیل کارگروه هائی مشترک زمینه اقدام همزمان و اجرایی طرح هایی مشترک را برنامه ریزی نمایند.

در ارتباط و با این چشم انداز ابتدا به بررسی دیدگاه های مختلف در مورد اصل مصلحت و قاعده حفظ نظام پرداخته می شود. در پاسخ به این سوال به مجموعه ایی از قواعد همانند قاعده اهم و مهم، قاعده لاضرار و غیره برخورد می کنیم که به زعم محقق می توانند در تعیین ملاکهای مصلحت تاثیر گذار باشند.

علی رغم گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و خیل انبوه نوشته ها، تحقیق ها، آثار متنوع اعم از کتابها، مقالات علمی، مصاحبه ها، سخنرانی ها و کنفرانس ها، کمبود شناخت تحقیق در رابطه با با تتبع و تفحص در

بررسی کاربردهای مصلحت با لحاظ به میزان و ملاک آن در مسائل مستحدثه سیاست متعالیه با تاکید بر دیدگاه امام خمینی ره بر آثار مربوط به موضوع تاکنون پژوهشی در این راستا با این ابعاد انجام نگرفته و ابعاد و زوایای تاریک و ناشناخته این موضوع بیش از نقاط مکشوف آن است. پژوهشهای انجام گرفته درباره موضوع مذکور دو دسته اند:

الف: دستهای از این منابع به موضوع مصلحت میپردازند و به ارتباط آن با ملاکهای اجرای اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی نمی پردازند.

از جمله این پژوهشها میتوان به کتاب برزگر، ابراهیم، مبانی تصمیمگیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی، تهران،

مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1373، ، اشاره نمود. کتاب مذکور سعی کرده است تا با بررسی

جنبه های مختلف مصلحت به توصیف کارکردها و ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی

مصلحت بپردازد. این کتاب با اکتفا به مدل های تصمیم گیری بر اساس دیدگاه امام خمینی به روش مطالعه اسنادی و توصیفی به این مسئله پرداخته است.

ب: دستهای دیگر از منابع به فرایند مبانی کلامی امام ره که یکی از این مبانی، مبنای مصلحت می باشد می پردازند ، همانند پایان نامه کارشناسارشد فلسفه و کلام، از ضامنعلی حبیبی با عنوان «بررسی مبانی کلامی حکومت دینی در اندیشه امام خمینی» که در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی دفاع شده است. این اثر با

مبانی کلامی و نظری همراه هست؛ محور اصلی این اثر مبانی امام ره را در اندیشه سیاسی اش تبیین می کند که

یکی از این مبانی مبنای مصلحت است ولی به کاربردهای اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی نمی

پردازد. اما محقق در این پژوهش قصد دارد هم به تبیین ملاک اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی بپردازد و هم به بررسی کاربردهای اصل مصلحت در سیره امام خمینی بپردازد.

**مفهوم مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی (ره)**

یکی از نوآوری‌های امام خمینی (ره) در فقه اسلام شیعی، گسترش مصلحت در ابعاد و جنبه‌های مختلف می‌باشد. مصلحت را شیخ مفید در فقه امامیه پی‌نهاد، شهید اول با بررسی آن در قواعد فقهی بدان تعمیم بخشید و آن را روش مند ساخت و صاحب جواهر رابطه ولایت فقیه و مصلحت را نمایاند و امام خمینی در آن طرحی جامع در انداخت و آن را به صورت یک نظریه درآورد. مصلحت به این معنا از مهمترین ضوابط احکام حکومتی است و رهبران جامعه باید در تصمیم‌گیری‌های خود به آن توجه کنند. هرگاه مصلحت‌ها با هم متزاحم شوند و یا حکم حکومتی در بردارنده مصلحت با احکام شرعی ناسازگار باشد، باید مصلحت مهم و یا حکم مهم را در آستان اهم قربانی کرد. بنابراین، امام خمینی، به عنوان یک اصولی‌داری ابتکار، تاملاتی را در این نظریه پردازي مطرح ساخت و سعی نمود که با واقع‌گرایی بیشتری با این مسأله برخورد نماید. حال در این مقاله کوشش گردیده که ابعاد این مسأله از حوزه نگاه امام راحل مورد تدقیق و بررسی قرار گیرد. (رهبر و همتی دشتکی، 1389، ص1)

### نقش عنصر مصلحت در حکومت از منظر امام خمینی

هماره در تاریخ، فقهای شیعه، با این که حکومت رسمی در اختیار نداشتند، در مواقع بسیار از فتاوا، به عنصر مصلحت، توجه داشته‌اند. در این رابطه امام خمینی می‌گوید: در اموال مشروع اگر ولی امر تشخیص داد که: این قدر که هست نباید باشد برای مصالح مسلمین می‌تواند تصرف کند... این روشنفکرهای ما نمی‌فهمند که ولایت فقیه یعنی چه، یکی از تحدید این امور است. مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است لکن ولی امر، می‌تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است همین مالکیت مشروع را محدودش کند، به یک حد معینی و با حکم فقیه، از او مصادره بشود. (امام خمینی، بی تا، ج10، ص481)

استاد شهید مرتضی مطهری، بر این باور است: اگر نیازهای عمومی جامعه و یا ضرورت تعدیل ثروت ایجاب کند که مالیات تصاعدی وضع شود باید این کار انجام شود و یا اگر مصلحت جامعه اسلامی باشد می‌توان از یک مالک و یا گروهی سلب مالکیت کرد. حاکم اسلامی، برای مصلحتی بزرگ تر می‌تواند چنین کارهایی را انجام دهد (مطهری، 1378، ج2، ص85-86) در بحث ولایت برای فقیه، این مسأله مشخص تر است. در فقه شیعه، هر جا از ولایت سخن به میان آمده، از مصلحت نیز سخن رفته است تا جایی که امام خمینی می‌نویسد: اصل اولی در هر ولایتی این است که مقید به مصلحت باشد. (امام خمینی، بی تا، ج2 ص526)

امام خمینی، در بحث ولایت فقیه به مصلحت تاکید بیش تری دارد. در مثل، به هنگام روشنگری ماهیت حکومت اسلامی و فرق آن با دیگر حکومتها می‌نویسد: نعم للوالی ان یعمل فی الموضوعات علی طبق الصلاح للمسلمین او لاهل حوزته ولیس ذلک استتداداً بالرای بل هو علی طبق الصلاح، فرأیه تبع للصلاح کعمله. (امام خمینی، بی تا، ج2، ص461)

حاکم اسلامی می‌تواند در گزاره‌ها برابر صلاح مسلمانان و یا صلاح حوزه حکومتی خود عمل کند. چنین اختیاری استتداد به رأی نیست، بلکه عمل بر اساس صلاح و شایستگی است. نظر حاکم همانند عمل او باید

پیرو مصلحت باشد. امام خمینی در جای دیگر پس از آن که اختیارهای حکومتی فقیه را همسان پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) دانسته است می نویسد: در این زمینه فرقی بین فقیه عادل و معصومان نیست، زیرا حاکم هر که باشد مجری احکام شریعت و برپا دارنده حدود الهی و گیرنده خراج و مالیاتهاست. و در آن به گونه ای که صلاح مسلمانان است تصرف می کند. ( امام خمینی، بی تا، ج 2، ص 467)

نمونه های یاد شده گویای این نکته است که مصلحت امری با کاربردهای متعدد در فقه می باشد و این نبوده که امام خمینی آن را بنابر نیاز موجود در فقه، وارد اندیشه سیاسی اسلام آنهم بعد از انقلاب اسلامی کرده باشد بلکه جایگاهی وسیع در دین دارد که فقهای شیعه به مناسبتهای گوناگون، از آن بحثها کرده اند. البته آن بزرگواران به دلیل این که هیچ گاه تصمیم گیری سیاسی اداری جامعه در اختیار آنان نبوده است بحثهای گسترده و ره گشایی بویژه در بخش مصلحت نظام نداشته اند. اما امام خمینی این بحث را از صورت تئوریک در آورد و به آن بُعد عملی داد.

### سیاست متعالیه

سیاست متعالیه که در امتداد جایگاه نبوت قرار دارد، سیاستی جهانی و فراگیر است و تدبیر انسان در مراتب وجودی سه گانه اش در این عالم را بر عهده دارد. حکمت نظر متعالیه که پشتوانه حکمت عملی و در نتیجه پشتیبان سیاست متعالیه است با تکیه بر آموزه های دینی انسان را حی متاله می داند، نه حیوان ناطق و برآن است که مقاطع چهارگانه دنیا، برزخ، قیامت و بهشت به دست خود انسان ساخته می شود و تنظیم این امر با سیاست متعالیه است، اما تعریف انسان به حیوان ناطق که مبنای سیاست غیر الهی است مایه انحطاط و سقوط خواهد بود. (جوادی آملی، 1390، ص 17) ملاصدرا هم در بحث مبدأ و معاد و هم در کتاب شواهد الربوبیه به این مطلب اصرار می ورزد که جامعه مانند فرد است و به مدیر نیاز دارد؛ جامعه مثل جهان است که خلیفه می طلبد. عالم بدون خلیفه خدا ممکن نیست. تدبیر بدن بدون رهنمود الهی صورت نخواهد گرفت. سیاست کل نظام به وسیله تدبیر الهی است. آن حکیم بزرگوار همچنین از یک سو اصرار دارد که جامعه را به عالم و از سوی دیگر به فرد انسانی تشبیه کند. فرد انسانی یک سیاست تکوینی دارد حقیقتاً، کل عالم هم یک خلیفه تکوینی دارد حقیقتاً، عالم هم وجود تکوینی دارد حقیقتاً، فرد هم وجود تکوینی دارد حقیقتاً. همان طوری که در آنجا وجود و سیاست حقیقی است، اینجا هم وجود و سیاست حقیقی است. (جوادی آملی، 1387، پگاه حوزه شماره 247)

### نسبت حکمت با پیشینه و پشتوانه حکومت از منظر امام خمینی

امام خمینی(س) بنیانگذار انقلاب اسلامی، ورای اخلاق و عرفان، سالیان متمادی به تحقیق، تدریس و تألیف در زمینه حکمت متعالیه اشتغال داشته و در آثار و اندیشه هایش از این مکتب استفاده کرده اند. حکمت متعالیه ظرفیت های فراوانی دارد و با وجود این حکمت زایا، پویا و پایا می توان از بالندگی

اندیشه سیاسی در ایران سخن گفت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به مثابه کاربست حکمت در سیاست متعالیه و ابتدای سیاست بر حکمت متعالیه، نشانگر گوشه ای از ظرفیتهای این حکمت توانمند است. امام (س) با تکیه بر آموزه های دینی و مبانی حکمت متعالی که برخاسته از معارف وحیانی و مصداق بارز فلسفه اسلامی بود، بدون گرایش به فلسفه های غرب و شرق و نظریات سکولاریستی، لیبرالیستی و مارکسیستی، انقلاب را با یاری خدا، به سرانجام رساند. (صدرا، 1392، ص 1)

**اصل فقهی مصلحت**

یکی از قواعد مهم فقهی که آیات قرآن و روایات مستفیض به آن تاکید داشته و فقها نیز در موارد کثیری مبنای استنباط احکام قرار داده اند قاعده مصلحت می باشد. (نمونه ای از کاربرد اصل مصلحت در فقه ر.ک: شعرانی، 1419 هـ.ق، ج 2، ص 461). صلاح ضد فساد است، مصلحت در چیزی یعنی وجود خیر در آن (فیومی، بیتا، ج 1، ص 345). از دیدگاه صاحب نظران، وضع احکام بر اساس مصالح و مفاسد می باشد؛ چنانچه میرزای نایینی در این مورد می نویسد: «راهی برای انکار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلقات نیست؛ زیرا در افعال با قطع نظر از امر و نهی شارع، مصالح و مفاسدی نهفته است و همین مصالح و مفاسد، علل و مناطات احکام هستند» (نایینی، 1376 ش، ج 3، ص 59)

مصلحت از جمله مقومات مهم و حیاتی است که دین نمی تواند در قبال آن سکوت کند؛ به عبارت دیگر اهمیت مصلحت آن را در زمره مقولاتی قرار داده که دین حتما در خصوص آن نظر و راهکار خاص دارد. از آنجا که این مصالح با امر حکومت مرتبط هستند، اصل فقاقت که برای حل مسئله حکومت ارائه شده، حوزه مصالح را نیز پوشش می دهد. (برای تبیین این مطلب، ر.ک: افتخاری، 1392، ص 90) عنصر مصلحت به تنهایی و بدون هیچ گونه قیدی می تواند در تمامی احکام الزامی و غیر الزامی، و در همه مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... پایه احکام حکومتی قرار گیرد و مصلحت سنجی هایی که از سوی حاکم در خارج از چارچوب احکام فرعی اولیه صورت می گیرد، لزوماً به استناد عناوین ثانویه نیست. (موسوی خمینی، 1379 ش، ج 17، ص 202)

مصلحت اندیشی در اداره حکومت يك امر حقی است، چرا که يك حکم عقلی و شرعی است که باید مصلحت جامعه و منافع عمومی و ملی را بر منافع فردی و منطقی اشخاص و گروه ها ترجیح داد. به عبارت دیگر يك نوع مصالح پیشبینی نشده هست که به نظر کارشناسان و اگذار شده که طبق این مصالح، زیر نظر و لطفیه و زیر نظر فقیهان، قوانین مربوط وضع بشود و این قوانین تماماً جزء احکام اولیه است و در عین حال بر تمامی احکام اولیه که جنبه خصوصی دارند، مقدمند. (ر.ک: معرفت، 1376 ش، ص 71) نظام اسلامی در سیاستهای ملی و بینالمللی خود باید همواره مصلحت اسلام، نظام اسلامی و مسلمین را در نظر بگیرد. منافع ملی در نظام اسلامی با منافع ملت اسلام پیوند خورده است به سخن ساده تر، این حاکم اسلامی است که میتواند مصالح سیاسی اجتماعی را تشخیص دهد و به مقتضای زمان در این باره تصمیم بگیرد. بدون شک منشاء قاعده مصلحت در بحث حاضر، مصالح سیاسی- اجتماعی است، شایان ذکر است مصالح سیاسی- اجتماعی انواعی دارد که توجه به آنها لازم است:

**کاربردهای فقهی مصلحت در سیاست متعالیه:**

## 1. ضرورت لحاظ آینده جامعه مسلمانان

ضرورت لحاظ آینده جامعه مسلمانان در سیره معصومین پر رنگ است. به عنوان مثال در تفاوت روش امام علی (ع) و امام مهدی (ع) در برخورد با شورشگران این قاعده فقهی دیده می شود (جمعی از محققان، 1428ق، ج2، ص201). در اداره جامعه، گاه با ضرورت فوری مواجه می شویم که از آن به ضرورت لحاظ آینده جامعه مسلمانان استفاده شود. به این معنا که کارشناسان تشخیص می دهند که اگر در این محله خیابانی کشیده نشود، ده سال بعد مردم دچار گرفتاری شدید خواهند شد. از این رو، حکومت اسلامی تصمیم می گیرد بر اساس اصل مصلحت، چنین کاری را اکنون انجام دهد تا ده سال دیگر مردم دچار زحمت نشوند. (مومن قمی، ج28، ص12)

با توجه به اینکه ضرورت لحاظ آینده جامعه مسلمانان یکی از مواردی است که در اصل فقهی مصلحت می تواند مورد عنایت شارع مقدس باشد، از اینرو می توان از این منظر کاربردهای متعددی را برای اصل فقهی مصلحت در نظر گرفت.

## 2. تقدم اهم بر مهم

گاه کاری مهم است، اما ناگهان کاری مهمتر پیش می آید که هر دو را با هم نمیتوان انجام داد. که اصطلاحاً تزامم اتفاق می افتد در تزامم معیار آن تقدم اهم بر مهم است حتی «استحسان» هم اگر به معنای تقدم اهم بر مهم باشد، پذیرفتنی است. (خرازی، 1383، ج40-39، ص108) بنابراین وظیفه این است که کار مهم را واگذاریم و کار مهمتر را انجام دهیم. چنین چیزی در صدر اسلام رخ داده است و پیامبر اعظم (ص)، خود دستور تخریب مسجد ضرار را صادر فرمود. (صافی، 1417ه ق، ج3، ص171)

ممکن است امری در جامعه اسلامی با لحاظ به آموزه ها و احکام دین مقدس اسلام، از باب اهمیت و فضیلت ذاتی آن مهم باشد ولی امر دیگری در سیاست متعالیه به علت نفوذ و تاثیر آن برای جامعه مسلمان اهم می باشد، بنابراین حاکم اسلامی میتواند از باب تقدم اهم بر مهم، جلوی امر مهم را بگیرد.

## 3. دفع افسد به فاسد

لزوم شرعی دفع افسد به فاسد (منتظری، 1409ق، ج1، ص54) یکی از قواعد مهم فقهی است که به نوعی میتواند آن را زیر مجموعه قاعده مصلحت دانست. فقهاء این قاعده را در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعی قرار داده اند. (ر.ک: مطهری، بی تا، ج19، ص133) در اداره جامعه اسلامی، گاه مواردی پیش می آید که حاکم ناگزیر است بین دو گزینه که هر دو قبیح میباشند، یکی را انتخاب کند. مصلحت حکم میکند گزینه کم ضررتر را برگزیند.

بعنوان مثال می توان گفت اگر امری در جامعه اسلامی به خاطر تبعات منفی داخلی و بین المللی فاسد باشد، ولی امر دیگری به خاطر تالی فاسد داشتن متعدد، افسد باشد و لذا می توان در این مورد از قاعده

دفع افسد به فاسد استفاده نمود و حکم منع امر افسد را استنتاج نماییم. لازم به ذکر است تبعات و تالی های فاسدی که امر افسد میتواند در داخل جامعه اسلامی داشته باشد، نسبت به زمانها و محیط های مختلف در جامعه اسلامی متفاوت است.

#### 4. تبیین جزئیات

بسیار میشود که اسلام يك اصل کلی را مشخص مسازد و جزئیات آن را به عهده خودمان واگذار کرده است (ر.ک: مطهری، بی تا، ج 21، ص 340)؛ در چنین مواقعی مطابق مصلحت سنجی حاکم اسلامی و یا کارشناسان مورد اعتماد او عمل میشود. فرض کنیم اصل کلی این است که باید در برابر دشمنان خدا و خودمان آمادگی دفاعی داشته باشیم. تبیین جزئیات این امر، این که چقدر اسلحه تهیه کنیم، کجا انبار کنیم، با کدام کشورها پیمان دفاعی ببندیم و ... در بسیاری از مواقع بنا بر تشخیص حاکم اسلامی یا کارشناسان مورد تأیید او میباشد. (لطیفی پاکده، 1388، ص 167)

از آنجاکه امام خمینی (ره) ولایت فقیه و حکومت اسلامی را به عنوان یکی از احکام اولیه اسلام، مقدم بر تمامی احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج مندانت و معتقد بود حفظ آن از اوجب واجبات است (موسوی خمینی، 1379، ج 20، ص 170 و 174) بنابراین میتوان تحلیل نمود که حفظ نظام اسلامی اصل کلی باشد و اموری بواسطه پیامدهای منفی آن از باب تبیین جزئیات برای حفظ نظام اسلامی باشد، لذا حاکم اسلامی می تواند آن امور را ممنوع کند.

#### 5. تعطیل موقت برخی احکام فرعی شرع

حاکمیت ولی فقیه به این معناست که او می تواند برای بازکردن بن بست ها در اداره حکومت و تأمین مصالح جامعه اسلامی، از چارچوب خشك و غیر قابل انعطاف قانون خارج شود، اگر با توجه به شرایط خاص و ضرورت جامعه، اجرای احکام، منتج به آن نتیجه اصلی و هدف والا نشود، در این صورت از اختیارات و مسؤولیت های ولایت مطلقه فقیه آن است که حتی به وسیله تعطیل موقت احکام اولیه و با استناد به حکم حکومتی، مصالح اسلام و امت اسلامی را تأمین نماید. (هاشمی، ج 20-19، ص 160) از این جهت امام خمینی (ره) فرمودند: «حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در مواقعی که آن قراردادهای، مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، يك جانبه لغو کند و می تواند هرامری را چه عبادی و یا غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، تا وقتی که چنین است، از آن جلوگیری نماید» (موسوی خمینی، 1379، ج 20، ص 170) بر اساس این مبنا امام خمینی (ره)، «حج» این واجب مهم الهی را برای چند سال تعطیل فرمود.

بنابراین حاکم اسلامی میتواند بنا بر مصالح مهمتری، مانند حفظ موجودیت نظام اسلامی، برخاکام فرعی شرع را تعطیل کند تا احکام مهمتری را حفظ نماید که اصطلاحاً حکم حکومتی نامیده می شود که حتی برای فقیه دیگر هم واجب الاتباع است (امام خمینی، 1423ق، ص 124).

وقتی حاکم اسلامی در صورتی که بنا بر مصالح مهمتری، مانند حفظ موجودیت نظام اسلامی، برخاکام فرعی شرع را تعطیل کند تا احکام مهمتری را حفظ نماید، همچنین میتواند امری را به علت خطراتی که برای موجودیت نظام اسلامی دارد، به عنوان یک حکم حکومتی صادر کند.



## مکتب شهید سلیمانی

مکتب سلیمانی یعنی مکتب اسلام ناب محمدی(ص) که در عصر حاضر مصداق این مکتب، رهبری و ایدئولوژی و پرچمداری این مکتب را حضرت امام خمینی(ره) و هم اکنون حضرت آیه الله خامنه ای عهده دار هستند. مهمترین کارکرد و عملکرد این مکتب در راستای آموزه های دینی امامین انقلاب مخصوصا عنصر مصلحت، تربیت و ساختن ملت جوانی است که توانستند تحت تأثیر این ایدئولوژی و مکتب چهار رخدادهای راهبردی را در 44 سال گذشته رقم بزنند. پیروزی انقلاب کبیر اسلامی در ایران، پیروزی در دفاع مقدس، تثبیت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی و نظام مردمسالاری دینی و شکل گیری و تشکیل جبهه مقاومت ضدصهیونیستی و ضداستکباری چهار رخدادهای راهبردی بود که توسط تربیت شدگان مکتب اسلام ناب محمدی (ص) رقم خورد. شهید سلیمانی تربیت شده مکتب اسلام ناب محمدی(ص) است و این سه رکن اساسی در اندیشه و تفکر و اخلاق و رفتارهای اجتماعی و جهادی و مدیریت و فرماندهی اش، اساس کار و رفتار او بود. یک فرد انقلابی بود که در مکتب سپاه پاسداران و دفاع مقدس آموزش دید. او نشان داد در چارچوب مکتب اسلام و رهبری امامین انقلاب مخصوصا در چارچوب عنصر مصلحت فکر می کند، عمل می کند و عملیات های جهادی و انقلابی اش را در سطح راهبردی و در منطقه غرب آسیا و تحت تأثیر این مکتب اسمانی اجرا کرد.

## مؤلفه های حاکم بر مکتب شهید سلیمانی

اعتقاد کامل به معاد و قرآن و مکتب اسلام و حقانیت مکتب اسلام و شیعه اثنی عشری، عشق به خدا و خلق خدا خصوصا مستضعفان که تحت سلطه مستکبران هستند در راستای عنصر مصلحت از مؤلفه های مکتب سلیمانی هستند. اعتقاد به جهاد فی سبیل الله بصورت مستمر تا اشکارشدن غلبه اسلام بر کفر و شرک جهانی، اعتماد و اتکال به نصرت الهی در همه شرایط زندگی و عملیات های دفاع مقدس از دیگر مؤلفه هاست. همان طور که در عملیات های دفاع مقدس در کنار تدبیر و طرح ریزی عملیات ها، در نهایت به نصرت الهی اعتماد و توسلات ائمه اطهار(ع) ایمان کامل وجود داشت، این شهید بزرگوار هم در طول ۲۲ سال فرماندهی نیروی قدس و مبارزه بی امان با صهیونیستها، امریکایی ها و داعشی ها علاوه بر خردمندی و تدبیر مبتنی بر عنصر مصلحت و شجاعت، اعتمادش به نصرت الهی کامل بود. اصول حاکم بر مکتب سلیمانی دشمن شناسی و اقدام به موقع علیه دشمنان، التزام عملی و قلبی به تدابیر رهبری است. در مکتب سلیمانی، مردم داری و مردمیاری و خدمت به عموم انسانها از هر ملت و آیینی حتی انسان های غیر مذهبی دارای یک اصل است، این جزو مکتب سلیمانی و اسلام ناب است.

## نتایج بحث

هدف و ضرورت این پژوهش در این است که بی شک دستیابی به ملاک و میزان و تبیین کاربردهای اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی و سیره عملی شهید سلیمانی بر اساس سیاست متعالیه می تواند راه گشای انبوهی از مسائل پیش روی انقلاب اسلامی در حوزه های داخلی و خارج می باشد. با تتبع و تفحص در آثار مربوط به موضوع «بررسی کاربردهای اصل فقهی مصلحت با لحاظ به میزان و ملاک آن در سیاست متعالیه بر مسائل مستحدثه با تأکید بر دیدگاه امام خمینی ره سیره عملی شهید سلیمانی

« تاکنون پژوهشی در این راستا با این ابعاد انجام نگرفته، بدین منظور در این پژوهش دو فعالیت عمده انجام گرفت:

الف: ابتدا اصل مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی ره تبیین و توصیف گردید.  
ب: سپس به کاربردهای اصل مصلحت در مسائل مستحدثه بر اساس دیدگاه امام خمینی پرداخته شد. و سپس به اختصار مکتب و سیره عملی شهید سلیمانی تبیین شد.  
در این پژوهش مفهوم مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی (ره) بحث شد که یکی از نوآوری های امام خمینی (ره) در فقه اسلام شیعی، گسترش مصلحت در ابعاد و جنبه های مختلف بود. سپس نقش عنصر مصلحت در حکومت از منظر امام خمینی تبیین شد.  
در مرحله بعدی مفهوم سیاست متعالیه تبیین شد. و به بحث نسبت حکمت با پیشینه و پشتوانه حکومت از منظر امام خمینی پرداخته شد. و سپس اصل فقهی مصلحت در ابعاد و جنبه های مختلف تبیین شد که به عبارت دیگر کاربردهای فقهی مصلحت در سیاست متعالیه بحث شد که عبارتست از:

ضرورت لحاظ آینده جامعه مسلمانان، تقدم اهم بر مهم، دفع افسد به فاسد، تبیین جزئیات، تعطیل موقت برخی احکام فرعی شرع.

## منابع و مأخذ

1. قرآن.
2. نهج البلاغه.
3. افتخاری، اصغر (1392ش). تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه، فصلنامه سیاست متعالیه، ش 1، ص 83-100.
4. آملی، میرزا هاشم (1405ق). مجمع الافکار و مطرح الانظار، قم: المطبعة العلمية.
5. ---- (1386 ق). تحرير الأصول، قم: مكتبة الداوری.
6. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (1430ق). كفاية الأصول (با تعلیقه زارعی سبزواری)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
7. انصاری، مرتضی بن محمد امین (1416ق). فرائد الأصول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
8. اصفهانی، محمد تقی رازی نجفی (1425ق). قم: انتشارات ذوی القربی.
9. بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ (1419ق). القواعد الفقهيّة، قم: مؤسسه الهادی.
10. برمن، ادوارد، (1368ش). كنترل فرهنگ، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر نی.
11. ---- (1380ش). منتهی الأصول، تهران: مؤسسه العروج.
12. بروجردی، آقا حسین (1386 ش). جامع أحادیث الشيعة، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
13. بروجردی، سید محمد ابراهیم (1366ش). تفسیر جامع، تهران: صدرا.
14. تبریزی، موسی بن جعفر بن احمد (1369ق). أوثق الوسائل، قم: کتابفروشی کتبی نجفی.
15. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (1410 ق). غرر الحكم و درر الكلم، قم: دار الكتاب الإسلامي.
16. جعفری تبریزی، محمد تقی (1419ق). رسائل فقهی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.

17. جعفری، یعقوب (، 1376ش). تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت.
18. جصاص، احمد بن علی (1405ق). احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
19. جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی (1428ق). جهاد در آینه روایات، قم: انتشارات زمزم هدایت.
20. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر سوره اسراء، برگرفته از سایت بنیان بین المللی علوم وحیانی اسراء (<http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx>)
21. ----- (1390)، فصلنامه اسراء، سال سوم، شماره سوم، پیاپی هفتم، بهار.
22. حسینی شیرازی، سید محمد (1413ق). الفقه، القواعد الفقهیة، بیروت: مؤسسه امام رضا (ع).
23. حلّی، محمد بن حسن بن یوسف (1387ق). ایضاح الفوائد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
24. خرازی، سید محسن (1383ش). «تطیف (کم فروشی)»، مجله فقه اهل بیت (ع)، قم: ش 39-40.
25. خمینی، سید روح الله، بی تا، البیع، اسماعیلیان.
26. -----، بی تا، صحیفه امام، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
27. رهبر قاضی، محمود رضا، همتی دشتکی، عبادالله (1389)، کنگره ملی بررسی اندیشه های فرهنگی و اجتماعی حضرت امام خمینی)
28. زحیلی، وهبه (1418ق). التفسیر المنیر، بیروت: دار الفکر المعاصر.
29. سلیمی بنی، صادق (بی تا). مباحث سیاسی سطح (2)، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
30. سیفی، علی اکبر (1425ق). مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیة الأساسیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
31. شعرانی، ابو الحسن (1419ق). تبصرة المتعلمین فی احکام الدین-ترجمه و شرح، تهران: منشورات اسلامیة.
32. صافی گلپایگانی، لطف الله (1417ق). جامع الأحکام، قم: انتشارات حضرت معصومه (س).
33. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). کتاب من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
34. صدرا، علیرضا (1392)، imam-khomeini.ir.
35. طباطبایی، سید محمد حسین (1417ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
36. ----- (1374ش). ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، قم: ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی.
37. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (1419ق). العروة الوثقی (المحشّی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
38. طبرسی، فضل بن حسن (1372ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
39. طوسی، محمد بن حسن (1407ق). تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
40. طیب، سید عبد الحسین (1378ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 4، تهران: انتشارات اسلام.
41. عراقی، آقا ضیاء الدین (1420ق). علی کزازی، مقالات الأصول، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
42. ---- (1417ق). نهاية الأفكار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

43. عمید زنجانی، عباسعلی (1421ق)، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر،
44. فیومی، احمد بن محمد بن علی (بی تا). المصباح المنیر، قم: منشورات دار الرضی.
45. کاشف الغطاء، جعفر (1422ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
46. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (1429ق). الکافی، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
47. گلشنی، مهدی (1375ش). قرآن و علوم طبیعت، تهران: نشر مطهر.
48. لطیفی پاکده، لطفعلی (1388ش). اسلام و روابط بینالمللی، قم: نشر زمزم.
49. لنکرانی، محمد فاضل (1416ق). القواعد الفقهیه، قم: چاپخانه مهر.
50. محقق داماد، سید مصطفی (1406ق). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
51. مراغی، مصطفی (1374ق). «مقارنه بین العداله التشريعیة فی القوانين الوضعیه والرأی فی التشریع الاسلامی»، مجله الازهر، مجلد 26، ش 1516.
52. مراغی، میرفتاح (1417ق). العناوین الفقهیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
53. مطهری، مرتضی (بی تا). فقه و حقوق (مجموعه آثار)، 3 جلد، قم: صدرا.
54. ---- (1409ق). مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات حکمت.
55. مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، قم، مکتبه الفقه و الاصول المختصه، 1375ش.
56. معرفت، محمد هادی (1376ش). «مصلحت در فقه»، مجله پیام حوزه، ش 14.
57. مکارم شیرازی، ناصر (1427ق). استفتاءات جدید، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
58. ---- (1427ق). دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
59. ---- (1374ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
60. منتظری نجف آبادی (1429ق). حسین علی، مجازات های اسلامی و حقوق بشر، قم: ارغوان دانش.
61. ---- (1429ق). حکومت دینی و حقوق انسان، قم: ارغوان دانش.
62. ---- (1385ش). رساله استفتاءات، قم: نشر سایه.
63. ---- (1409ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابو ال، 8 جلد، قم: مؤسسه کیهان.
64. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
65. ---- (1379ش). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
66. ---- (1423ق). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
67. مومن، محمد (1380ش). «پرتوی از بازتاب های فقهی سیره حکومتی امام علی (ع)»، مجله فقه اهل بیت (ع)، قم: ش 28.
68. ---- (1387ش). «قوانین ثابت و متغیر»، مجله فقه اهل بیت (ع)، قم: ش 56.
69. ---- (1382ش). «کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض»، مجله فقه اهل بیت (ع)، قم: ش 35.
70. میبیدی، رشیدالدین ابوالفضل (1361ش). کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج 10، تهران: امیر کبیر.

71. میرزای قمی، ابوالقاسم (1417ق). غنائم الایام، قم: انتشارت دفتر تبلیغات اسلامی.
72. مطهری، مرتضی (1378)، اسلام و متضیات زمان، ج 2، تهران: صدرا.
73. نائینی، محمدحسین (1352ش). أجودالتقریرات، قم: مطبعة العرفان.
74. ---- (1376ش). فوائد الأصول ، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
75. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (1422ق). رسائل و مسائل، قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد.
76. نظرپور، جعفر وفا، مهدی (1382ش). آشنایی با نظام سیاسی اسلام، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه.
77. نوری، حسین بن محمد تقی (1408ق). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
78. هاشمی، سید محمد (1378ش). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر.
79. ---- (1378ش). استصناع»، مجله فقه اهل بیت (ع)، قم: ش 19-20.
80. ---- (1426ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).